

تبیین ویژگیهای عناصر چهارگانه برنامه درسی مقطع کارشناسی با تأکید بر پرورش مهارتهای کارآفرینی

مریم کوثری^۱ و دکتر رضا نوروززاده^۲

چکیده

یکی از مهم‌ترین عناصر نظام آموزش عالی و دانشگاهها برنامه‌های درسی است که نقش تعیین کننده و انکارناپذیری در تحقق اهداف و رسالت‌های آموزش عالی از نظر کمی و کیفی دارد. هدف اصلی پژوهش حاضر تبیین ویژگیهای عناصر چهارگانه هدف، سازماندهی محتوا، استراتژیهای تدریس و شیوه ارزشیابی برنامه درسی مقطع کارشناسی با تأکید بر پرورش مهارتهای کارآفرینی است. این پژوهش به لحاظ ماهیت توصیفی - توسعه‌ای است که به شیوه کتابخانه‌ای و زمینه‌ای انجام شده است. جامعه آماری شامل اعضای هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاههای دولتی تهران و متخصصان کارآفرینی بوده که ۱۹۴ نفر به عنوان نمونه مورد مطالعه در نظر گرفته شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. روایی محتوایی پرسشنامه بر اساس نظر صاحب‌نظران حاصل و پایایی آن بر اساس آلفای کرانباخ محاسبه شد که برابر ۹۲/۵ به دست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون t مستقل صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عناصر مختلف برنامه درسی باید در جهت ایجاد شایستگیهای لازم در ابعاد دانش، نگرش و مهارتهای مورد نیاز یک محیط تخصصی در دانشجو، پرورش مهارتهای عالی ذهنی، آشنایی با دانش کارآفرینی و ایجاد روحیه کارآفرینی، که جملاً به منظور تربیت دانش‌آموختگان کارآفرین ضروری است، به کار گرفته شوند. افزون بر این، یافته‌ها بیانگر آن است که سازماندهی برنامه‌های درسی به صورت میان‌رشته‌ای، مسئله محوری، ایجاد فرصت تجربه در محیطهای یادگیری واقعی و ارزشیابی اصیل از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پرورش مهارتهای کارآفرینی در دانشجویان به شمار می‌رود.

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت در صورتی که در برنامه‌های درسی مقطع کارشناسی، پرورش مهارتهای کارآفرینی دانشجویان مورد توجه قرار گیرد، زمینه تحقق رسالت نظام آموزش عالی به ویژه دانشگاهها در تربیت نیروی انسانی متخصص، کارآمد و کارآفرین فراهم خواهد شد.

کلیدواژگان: کارآفرینی، برنامه درسی، هدف، سازماندهی محتوا، استراتژیهای تدریس، ارزشیابی.

مقدمه

در عصر حاضر، بحران بیکاری در جوامع در حال توسعه ریشه دوانیده است و دولتها قادر به برطرف کردن نیازهای تکنولوژیکی جوامع خود نیستند، چرا که بیشتر خروجیهای دانشگاهها با نیازهای بازار کار هماهنگی و همخوانی

۱. کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی

۲. مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی: rezanorouzzadeh@yahoo.com

پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۶/۳

دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۱۲/۳

ندارد. بیشتر دروس دانشگاهی به ویژه رشته‌های علوم انسانی به طور نظری ارائه می‌شوند و تلاش جدی برای کاربردی کردن آنها صورت نگرفته است. از این رو، دانشجویان بعد از دانش‌آموختگی میان مشاغل موجود دولتی و خصوصی در جستجوی کار هستند و کمتر به اشتغالزایی تمایل دارند که البته، این مسئله ریشه در بسیاری عوامل همچون خانواده، فرهنگ، سیاستهای دولت، اقتصاد، آموزش و پرورش، آموزش عالی و ... دارد که هر یک در جای خود قابل بررسی است.

در همین خصوص، نقش نظام آموزشی، به ویژه آموزش عالی در تربیت دانش‌آموختگانی که علاوه بر داشتن علم در یک حوزه تخصصی، اعتماد به نفس، قدرت ابتکار، خلاقیت و خطرپذیری دارند و می‌توانند با استفاده از امکانات، فرصت‌ها و توانمندیها اشتغال مولد و درآمدزا ایجاد کنند، بر کسی پوشیده نیست (Jahanian, 2005). با توجه به اینکه هم‌انگیزش پیشرفت و هم‌کارآفرینی قابل آموزش دادن و یادگیری‌اند (Imani, 2005)، برای پرورش آن از سطوح ابتدایی آموزش و پرورش باید اقدام کرد و در سطح آموزش عالی به گونه‌ای تخصصی به آن پرداخت.

یکی از مهم‌ترین عناصر نظام آموزش عالی و دانشگاهها برنامه‌های درسی است که نقش تعیین‌کننده و انکارناپذیری در تحقق اهداف و رسالت‌های آموزش عالی از نظر کمی و کیفی دارد. در واقع، برنامه‌های درسی به عنوان قلب مراکز دانشگاهی (Lanenburg and Ornstein, 2004) در توفیق یا شکست این مراکز نقش کلیدی و بسیار تعیین‌کننده‌ای دارند. بر این اساس، برنامه‌های درسی نشان‌دهنده میزان پیشرفت و پاسخگو بودن دانشگاهها به نیازهای در حال تغییر جامعه هستند (Fathi Vajargah and Shafiea, 2007). همچنین، برنامه‌های درسی یکی از مباحث مهم و چالش‌برانگیز دانش بشری است و زمینه‌های فراوانی برای توسعه و گسترش مطالعات برنامه درسی وجود دارد که از آن جمله می‌توان برنامه درسی آموزش عالی را نام برد (Fathi Vajargah, 2001).

برنامه‌های درسی ابزار علمی و اجتماعی نیرومندی‌اند که ضمن ترسیم چگونگی و حدود انتقال دانش و مهارتها، بیانگر فلسفه و هدفهای تربیتی یا به عبارتی، سیاستهای علمی آن مؤسسه نیز هستند (Vaziri, 2008). یکی از موضوعات مهم در برنامه‌ریزی درسی اهمیت دادن به نوسازی و تجدیدنظر در برنامه‌های درسی و هماهنگ ساختن محتوا و روشهای تدریس با شرایط در حال تغییر و نامطمئن است (Sabar, 1994: 22). بر مبنای مطالعات نظری و تحقیقات انجام شده، در حال حاضر در کشور ما برنامه‌های درسی با استفاده از الگوی موضوع محوری انجام می‌شود و اثری از شغل محور بودن در آنها دیده نمی‌شود (Arefi, 2004). از جمله رسالت‌های دانشگاه در توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، آموزش و پرورش نیروی انسانی کارآمد، خلاق و نوآور بیان شده است (Foyuzat, 2004). به‌طور کلی، دو فلسفه متفاوت معرفت‌شناسی و سیاسی به آموزش عالی مشروعیت می‌بخشند. بر اساس فلسفه معرفت‌شناسی دانشجویان باید با کاوش و کنجکاوای خود بکوشند تا جهان را بهتر بشناسند. فلسفه سیاسی بر شناسایی نیازهای جامعه تکیه دارد. باید مراکز آموزش عالی بیش از آنکه به شناخت جهان بپردازند، به حل معضلات اجتماعی توجه داشته باشند. در هر دو فلسفه مسئولیت اصلی رشد فردی و توسعه کشور بر عهده نهادهایی همچون دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی است (Arasteh, 2003).

شرایط کنونی جامعه جهانی رسالتهای جدیدی را برای آموزش عالی تعریف کرده است؛ حال در این خصوص سؤالهای اساسی این است که ما به چه میزان در دستیابی به این ویژگیها موفق بوده‌ایم؟ آیا شیوه موضوع محوری می‌تواند پاسخگوی نیازهای آموزشی دانشجویان و برآورنده اهداف برنامه آموزشی دانشگاه باشد و تناسب میان علم و عمل را از رهگذر برنامه درسی، که در واقع، عامل تحقق اهداف برنامه است، فراهم آورد؟ آیا می‌توان فقط با ارائه دروس کارآفرینی اجباری یا اختیاری افرادی کارآفرین برای جامعه تربیت کرد؟ با چه رویکردها و راهکارهایی می‌توان آن را بهبود بخشید؟

نظام آموزشی کارآفرین به یقین با دیوارهای بلند و درهایی بسته پدید نمی‌آید. ایجاد و تقویت کارآفرینی مستلزم تعامل مستمر و گسترده با محیط اجتماعی، اقتصادی و تولیدی است (Jahanian, 2005). به‌طور کلی، هدف از پرورش مهارت‌های کارآفرینی در دانشجویان، تربیت دانش‌آموختگانی است که بتوانند پاسخگوی مسائل و نیازهای مربوط به حوزه تخصصی خویش باشند و با ارائه راه‌حلهایی خلاقانه و نوآورانه پیشگامان توسعه در جهان به‌شمار آیند.

موفقیت دانش‌آموختگان در جامعه عمل پوشانیدن به انتظارات جامعه، به مهارت‌های تخصصی و فردی آنان بستگی دارد. دانش‌آموختگان موفق کسانی هستند که نه فقط به مهارت‌های تخصصی مجهزند، بلکه مهارت‌هایی چون نوآوری، خلاقیت، مسئله‌گشایی، برنامه‌ریزی، کارگروهی، استفاده از فرصتها، اعتماد به نفس، مسئولیت‌پذیری، انعطاف‌پذیری، ریسک‌پذیری و خوش‌بینی نیز به‌طور نسبی در آنان نهفته است و دانشگاه باید محلی برای پرورش این مهارتها باشد. شناخت هر یک از این ویژگیها ما را در ارزیابی و بازنگری در برنامه‌های درسی و آموزشی مدد می‌رساند و به نحوه ارائه آنها تشویق می‌کند و مسئولیت‌پذیری ما را افزایش می‌دهد.

کارآفرینی به عنوان پدیده‌ای فرایندی چند بعدی^۳ (Davidsson and Ireland et al., 2005) (Shane and Wiklund, 2001) و چند مرحله‌ای^۴ (Bygrave, 1989) بر محوریت فرصتها^۵ (Venkataraman, 2000)، (Venkataraman, 1997) مورد توجه قرار گرفته است. اولین دوره آموزش کارآفرینی در سال ۱۹۴۷ در دانشگاه هاروارد ارائه شده است (Brush, 2003: 310). امروزه، دوره‌های آموزش کارآفرینی جای خود را درون دروس دانشگاهی و در رشته‌های مختلف باز کرده‌اند. لیکن، بر اساس گفته‌های سولومون، فرنالد، هیستریش و پیترز آموزش کارآفرینی سنتی بر تدوین برنامه کسب و کار متمرکز است، همچون دانش چگونگی به‌دست‌آوردن سرمایه از سرمایه‌داران بزرگ، مدیریت مالی و... اما دانستن اصول کارآفرینی بدین معنا نیست که دانشجویان در این امر موفق خواهند شد (Bell, 2008: 53).

امروزه، آموزش کارآفرینی ماورای یادگیری در باره بازاریابی، برنامه‌ریزی مالی، تأمین منابع و ... گسترش داده شده است. این آموزشها دانشجویان را در کلاس از طریق فرایندهای یادگیری در فعالیتهایی درگیر می‌کند که به توسعه دانش و مهارتهایی منجر خواهد شد که دانشجویان بتوانند در رشته تخصصی‌شان ایده‌هایی مطرح کنند و ارتباط آن با کاربرد در محیط کاری را بیابند و برای به‌کار بردن ایده‌ها و آموخته‌هایشان در جهان واقعی راهکار ارائه دهند و در محیط کاری رقابت کنند (Brown, 1999).

3. Multidimensional
4. Multistage
5. Opportunity

دانشجویان علاوه بر کسب شایستگیهای تخصصی، باید به یک‌سری مهارتها و رفتارها نیز مجهز شوند تا تواناییهای کارآفرینانه‌شان را افزایش دهند که می‌توان به برنامه‌ریزی، حل مسئله، خلاقیت، تفکر انتقادی، خود ارزشیابی، رهبری، مذاکره، شبکه اجتماعی، کار گروهی و مدیریت زمان اشاره کرد (Bell, 2008: 53).

انجمن کارفرمایان در بریتانیا با بیان ویژگیهای اساسی و شایستگیهای ضروری برای دانش‌آموختگان دانشگاهی در قرن ۲۱، جهتگیریهای برنامه‌های درسی آموزش عالی را در چند مقوله عمده بیان کرده است: پرورش روحیه اتکا به خود، پرورش توانایی نقد و تحلیل، پرورش توانایی رهبری، پرورش توانایی ایجاد تحول و پرورش توانایی برای نوآوری و خلاقیت. انجمن کارفرمایان در استرالیا نیز این موارد را مورد تأکید قرار داده‌اند: پرورش افراد هماهنگ با توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، پرورش توانایی حل مسئله، پرورش توانایی کار گروهی و پرورش روحیه سازگاری با تغییرات (Momeni Mahmoea, 2008).

بگلی (Begley, 2000) تحقیقی میدانی برای بررسی سبک یادگیری کارآفرینان با پرسشنامه سبکهای یادگیری کلب انجام داده است. نتایج این تحقیق نشان داد که سبک یادگیری کارآفرینان بیشتر سبک انطباق‌یابنده است؛ یعنی شیوه‌های یادگیری تجربه‌عینی و آزمایشگری فعال را با هم ترکیب می‌کنند و بیشترین توانایی را در یادگیری تجارب دست اول دارند، از اجرای طرحها و درگیر شدن با تجارب تازه و چالش‌برانگیز بیشترین لذت را می‌برند و اغلب تمایل دارند به عمل بپردازند تا به تحلیل‌های منطقی. بنابراین، آنها به طراحان برنامه درسی کارآفرینی پیشنهاد کرده‌اند که پنجاه درصد محتوای دوره‌های آموزش کارآفرینی را مطابق با سبک انطباق‌یابنده و نیمی دیگر را با سه سبک دیگر واگرا، همگرا و جذب‌کننده سازماندهی کنند.

طبق نظر منزیس و گاس^۶ نیز آموزش کارآفرینی جنبه‌های کاربردی را بر اساس تواناییها و استعدادهای فراگیران با دانش نظری تلفیق می‌کند و علاوه بر این، بر انگیزش فراگیران در زمینه خلاقیت و نوآوری تأکید می‌کند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که تأکید بر آموزش تلفیقی و ایجاد تواناییهای کارآفرینی هم به عنوان شیوه‌های آموزش و هم به عنوان فلسفه و هدف آموزش حایز اهمیت‌اند (Imani, 2005).

کالیو و سونی (Kallio and Suni, 2007) در رویکردی آزمایشی با هدف توسعه روحیه و جرئت کارآفرینی در دانشجویان در یک دوره آموزشی کارآفرینی از هفت گام مدل PBL^۷ شامل هفت مرحله استفاده کردند. به‌طور کلی، یادگیری مسئله محور در خصوص نیازهای زندگی واقعی (شغلی)، یادگیری از طریق عمل و آموزشهای چند رشته‌ای از ارزشهای اساسی این دوره ارائه شده است. این مدل با همکاری دانشگاه تکنولوژی تالین^۸ در استونی^۹ با موفقیت اجرا شده است.

همچنین، تان و فرانک (Tan and Frank, 2006) نیز تحقیقی در زمینه کاربرد یادگیری مسئله محور (PBL) در آموزش کارآفرینی انجام داده‌اند. این مقاله گزارشی است از کاربرد رویکرد مسئله محور در دانشگاهی صنعتی در جمهوری سنگاپور که می‌تواند یک دیدگاه آموزشی مؤثر برای آموزش کارآفرینی باشد. یافته‌های به دست آمده حاکی از آن است که ایجاد موقعیتهای کارآفرینی شبیه‌سازی شده درون کلاس یا دانشگاه می‌تواند

6. Menzies and Goss

7. Problem based Learning

8. Tallinn University of Technology

9. Estonia

توانایی دانشجویان را برای کارآفرینی افزایش دهد. در این پژوهش فرضیات آموزش کارآفرینی بر یادگیری مسئله محور، یادگیری فعال، سازماندهی چندرشته‌ای و یادگیری از طریق عمل بنا شده است.

کینگ نتو (Keng Neo, 2004) نیز به کاربرد رویکرد PBL در آموزش کارآفرینی پرداخته است. این تحقیق بر تغییراتی در محتوا و فرایندهای آموزش کارآفرینی متمرکز است، به طوری که مسیر مناسبی را برای یادگیری کارآفرینی دانشجویان فراهم سازد. این آزمایش در پلی‌تکنیکی در سنگاپور انجام و بر یادگیری مسئله محور تأکید شده است. به طور کلی، آنچه در این تحقیق بررسی می‌شود این است که چگونه یادگیری مسئله محور مهارت‌های کارآفرینانه را افزایش می‌دهد.

لمبرت و همکاران (Lambert et al., 2007) در تحقیقی درخصوص سازماندهی مجدد برنامه‌های درسی آموزش عالی از مکتب کارآفرینی و پداگوژی انتقادی یاد کرده‌اند و استراتژی‌هایی را که آموزش عالی برای تقویت ارتباط بین نظام آموزشی و زندگی شغلی به کار می‌برد، نقد و بررسی کرده‌اند. به طور کلی، تأکید مکتب کارآفرینی بر به کارگیری رویکرد تحقیق محور است.

اوکدان و آرزاسا (Okudan and Rezasa, 2006) تحقیقی در خصوص کاربرد رویکرد پروژه محور در آموزش رهبری کارآفرینانه، که یکی از چهار دوره اصلی در دانشگاه ایالت پنسیلوانیاست، انجام داده‌اند. استراتژی‌های رایج تدریس در این دوره مبتنی بر یادگیری پروژه محور و کارگروهی است. مدل این برنامه بر اساس مرور جامعی بر دوره‌های مشابه و ادبیات آموزش کارآفرینی طراحی شده است. نتایج یک ارزیابی جامع از رضایت دانشجویان و ادراک ایشان از دوره حکایت از اجرای موفقیت‌آمیز آن و ایجاد تغییرات نوآورانه‌ای در این دوره دارد.

کوتی و برنس (Kotey and Bernice, 2007) نیز تحقیقی در زمینه ویژگی‌های کار گروهی در برنامه‌های کارآفرینی انجام داده‌اند. آنها از همبستگی پیرسون برای اندازه‌گیری همبستگی بین چهارگروهی که بر اساس پیچیدگی وظایف و نوع همکاری گروه‌بندی شده‌اند، استفاده کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که دانشجویان از طریق کار در گروه و انجام دادن وظایف پیچیده گروهی توانایی یادگیری و جسارت بیشتری می‌یابند.

احمدزاده (Ahmadzade, 2006) تحقیقی با هدف بررسی میزان توجه برنامه‌های درسی دوره کارشناسی رشته علوم تربیتی به پرورش مهارت‌های کارآفرینی در دانشجویان انجام داده است. نتایج به‌دست آمده از تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که در کلیه عناصر نه گانه برنامه‌درسی [اعم از هدف، محتوا، روش‌های ارزشیابی و منابع و ابزار یادگیری، زمان، فضا، استراتژی‌های تدریس و معلم] و نیز دروس تخصصی این رشته هیچ کدام به پرورش مهارت‌های سه‌گانه شخصی، مدیریتی و فنی کارآفرینی توجه نشده است.

عزیزی (Azizy, 2003) نیز با هدف بررسی زمینه‌های بروز و پرورش کارآفرینی در دانشجویان پژوهشی انجام داده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین متغیرهایی چون میزان تحمل ابهام، اعتماد به کنترل درونی، نیاز به توفیق طلبی، مخاطره‌پذیری، خلاقیت و نوآوری و استقلال طلبی با کارآفرینی رابطه معنادار وجود دارد؛ علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان داد که بین برنامه‌های تحصیلی و آموزشی ارائه شده و میزان کارآفرینی در دانشجویان از نظر آنان رابطه معناداری وجود ندارد.

هزارجریبی (Hezarjaribi, 2003) در پژوهشی نشان داد که بین کارآفرینی و دوره‌های آموزش مهارت‌های فردی، انگیزه پیشرفت، ریسک‌پذیری، نیاز به توفیق طلبی و خلاقیت رابطه معنادار و مثبت وجود دارد.

بدری و همکاران (Badri et al., 2006) در تحقیقی با عنوان «بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان» به بررسی تأثیر آموزش‌های دانشگاهی بر تقویت قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده از یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان در زمینه استقلال طلبی، مرکز کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت بالاتر از حد متوسط بوده است، اما در خصوص ریسک‌پذیری نمرات پایین‌تر از حد متوسط بودند. در ضمن، آموزش‌های دانشگاهی در تقویت قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان مؤثر نبوده است. همچنین، تأثیر آموزش‌های مرکز کارآفرینی دانشگاه در پرورش توانمندی‌هایی از قبیل استقلال طلبی، مرکز کنترل، انگیزه پیشرفت و ریسک‌پذیری رد شده، اما این فرضیه در خصوص خلاقیت پذیرفته شده است.

جعفرزاده (Jafarzadeh, 2005) در تحقیق خود به منظور طراحی و تبیین الگویی برای پیش‌بینی کارآفرینی دانش‌آموختگان به بررسی رابطه کارآفرینی با ویژگی‌های روانشناختی، تحصیلی، مدیریتی، محیطی و جمعیت‌شناختی دانش‌آموختگان پرداخته است. یافته‌های به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که ویژگی‌های روانشناختی و توانایی‌های مدیریتی دانش‌آموختگان نقش بسزایی در کارآفرینی آنان ایفا می‌کند. با توجه به یافته‌های این تحقیق، ضرورت دارد که در دوره‌های دانشگاهی علاوه بر ارائه برنامه‌های درسی پایه و تخصصی، دروسی اختیاری در حوزه کارآفرینی به منظور تقویت عوامل مذکور به ویژه مهارت‌های مدیریتی و تلفیق مؤلفه‌های یاد شده در برنامه درسی طراحی و اجرا شود. الگوی مذکور مانند تحقیقات گذشته تصویر روشنی از ضرورت‌های فرایند یاددهی-یادگیری در دانشگاه به دست می‌دهد.

سؤال اصلی پژوهش: برنامه درسی مقطع کارشناسی مبتنی بر پرورش مهارت‌های کارآفرینی از نظر اهداف، شیوه سازماندهی محتوا، راهبردهای تدریس و ارزیابی چه ویژگی‌هایی دارد؟

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی - توسعه‌ای است که به شیوه کتابخانه‌ای و زمینه‌ای انجام شده است. جامعه آماری تحقیق شامل دو گروه متخصصان علوم تربیتی و متخصصان کارآفرینی در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران^{۱۰} هستند. در خصوص انتخاب گروه اول جامعه آماری؛ یعنی متخصصان علوم تربیتی به علت محدود بودن جامعه آماری نمونه‌گیری صورت نگرفته و کل جامعه آماری مورد بررسی قرار گرفته و پرسشنامه محقق ساخته در بین ایشان توزیع شده است. گروه دوم (متخصصان کارآفرینی) نیز به علت نبود مرجع مشخصی برای شناسایی و معرفی ایشان علاوه بر استفاده از روش‌های مختلف برای شناسایی [یعنی جستجو در اینترنت و مراجعه به مراکز کارآفرینی دانشگاهها و دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران]، روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی^{۱۱} (زنجیره‌ای) نیز به کار گرفته شد؛ در این روش هسته کوچک اصلی با افزایش مرحله‌ای رشد می‌کند و مانند گلوله برفی که با غلطاندن بر روی زمین

۱۰. این دانشگاهها عبارت‌اند از: دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه تربیت معلم، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه تهران، دانشگاه الزهراء، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی و به‌طور کلی، دانشگاه‌هایی که در آن مراکز کارآفرینی و رشته‌های علوم‌تربیتی و مدیریت (بازرگانی، صنعتی و استراتژیک و ...) دایر است. شایان ذکر است که علت انتخاب دانشگاه‌هایی که رشته مدیریت در آن دایر است این است که بیشتر استادانی که در زمینه کارآفرینی فعالیت کنند، از دانشکده‌های مدیریت‌اند.

برفی ساخته می‌شود، نمونه تحقیق نیز افزایش می‌یابد (Azkia and Darban Astaneh, 2003: 255). این روش معمولاً هنگامی مورد استفاده قرار می‌گیرد که امکان تهیه چارچوب آماری وجود ندارد و از طرفی، اعضای نمونه نسبت به یکدیگر شناخت دارند. بدین ترتیب، هنگام جمع‌آوری اطلاعات از افراد خواسته شد تا چنانچه استنادی را می‌شناسند که در زمینه کارآفرینی صاحب‌نظرند یا تحقیق کرده‌اند، به محقق معرفی کنند تا در صورت دارا بودن شرایط لازم، درخصوص برقراری تماس و جمع‌آوری داده‌های مربوط به آنها اقدام شود. برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه استفاده شد و پرسشنامه‌ای شامل چهار مؤلفه اصلی در شش سؤال و ۳۴ گویه بود که برای تعیین اعتبار آن ابتدا اعضای هیئت علمی و کارشناسان مجرب در امر پژوهش پرسشنامه را مطالعه و نکات مهمی را یادآوری کردند که نظرهای آنان بررسی و اعمال شد. سپس، تعداد ۲۰ نسخه از پرسشنامه بین افراد جامعه آماری توزیع و از آنان خواسته شد تا هر نکته مبهمی را که در هر زمینه‌ای مشاهده می‌کنند، یادآور شوند. در نهایت، برای برآورد پایایی یا اعتبار پرسشنامه تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از مؤلفه‌های مورد مطالعه

اهداف برنامه	سازماندهی محتوا	استراتژیهای تدریس	ارزشیابی	کل پرسشنامه
تعداد گویه	۴	۱۴	۸	۲۹
آلفا	۰.۳۵۲	۰.۸۷۷	۰.۷۷۵	۰.۹۲۵

همچنین، در این پژوهش از مهم‌ترین روش روانساز که همان روش تحلیل عاملی^{۱۲} داده‌هاست، استفاده شده است تا از این طریق معلوم شود برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی واقعاً از چه عواملی اشباع شده است.

یافته‌ها

۱. چه اهدافی می‌توانند مبنای مناسبی را برای برنامه‌های درسی مقطع کارشناسی با تأکید بر پرورش مهارت‌های کارآفرینی فراهم آورند؟

برای تبیین اهداف برنامه درسی مذکور با توجه به مبانی نظری موجود و نتایج تحقیقات انجام شده، پنج هدف ایجاد شایستگی‌های لازم در ابعاد دانش، نگرش و مهارت‌های مورد نیاز یک حیطة تخصصی در دانشجو، پرورش مهارت‌های عالی ذهنی، ایجاد روحیه کارآفرینی، آشنایی دانشجویان با دانش کارآفرینی و تقویت ارتباط بین برنامه‌های درسی و زندگی اجتماعی و اقتصادی در نظر گرفته شد. در جدول ۲ میانگین، انحراف معیار و نتایج مقایسه میانگین نمونه‌های مورد مطالعه با میانگین نظری در خصوص هر یک از اهداف برنامه درسی مذکور نشان داده شده است.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، به منظور مقایسه میانگین نمونه‌های مورد مطالعه با میانگین نظری در هر مورد، حداقل نمره‌ای که نشان‌دهنده نیم انحراف معیار بالای میانگین باشد، ملاک مقایسه در نظر گرفته شد.

بنابراین، به جای نمره متوسط ۳ (میانگین مستقل) نمره ۳.۵ (نیم انحراف معیار بالای میانگین نظری) ملاک محاسبه قرار گرفت.

جدول ۲- آزمون t مستقل مربوط به اهداف برنامه درسی مقطع کارشناسی با تأکید بر پرورش مهارت‌های کارآفرینی

اهداف برنامه درسی	میانگین نظری	میانگین تجربی	t	فاصله اطمینان (۰/۹۹)
ایجاد شایستگی‌های لازم در ابعاد دانش، نگرش و مهارت‌های مورد نیاز	۴.۳۴	۰.۷۵۰	۱۵.۳۷۱	۰.۸۴
پرورش مهارت‌های عالی ذهنی	۴.۴۷	۰.۷۳۷	۱۸.۲۰۸	۰.۹۷
ایجاد روحیه کارآفرینی	۴.۲۸	۰.۷۹۲	۱۳.۶۴۳	۰.۶۷
آشنایی دانشجویان با دانش کارآفرینی	۴.۴۹	۰.۷۶۶	۱۷.۹۰۸	۰.۹۹
تقویت ارتباط بین برنامه‌های درسی و ...	۴.۳۹	۰.۸۰۶	۱۵.۰۱۴	۰.۷۷
df = ۱۹۳		n = ۱۹۴		
۰.۰۱ = سطح معنی داری		۳.۵ = میانگین نظری		

جدول ۲ بیانگر آن است که آشنایی دانشجویان با دانش کارآفرینی و مهارت‌های خاص تبدیل ایده به عمل با میانگین ۴.۳۴ و انحراف معیار ۰.۷۶۶ بر اهداف دیگر چیرگی دارد و پرورش مهارت‌های عالی ذهنی (با میانگین ۴.۴۷)، تقویت ارتباط بین برنامه‌های درسی و زندگی اجتماعی، اقتصادی (با میانگین ۴.۳۹)، ایجاد شایستگی‌های لازم در ابعاد دانش، نگرش و مهارت‌های خاص یک حیطة تخصصی در دانشجو (با میانگین ۴.۳۴) و ایجاد روحیه کارآفرینی (با میانگین ۴.۲۸) به ترتیب از نظر متخصصان در درجات بعدی اهمیت قرار دارند.

آماره t محاسبه شده برای هر یک از اهداف نیز نشان می‌دهد که این مقدار با درجه آزادی ۱۹۳ و آلفای ۰.۰۱، بزرگ‌تر از مقدار t بحرانی ۲.۳۲ است. لذا، با ۹۹٪ اطمینان بین میانگین مشاهده شده و میانگین نظری تفاوت معناداری وجود ندارد. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که هنگام تهیه و تدوین برنامه‌های درسی دوره کارشناسی لازم است اهداف یاد شده مورد توجه قرار گیرد.

۲. چه رویکردهایی برای سازماندهی محتوای برنامه درسی مقطع کارشناسی با تأکید بر پرورش مهارت‌های کارآفرینی مناسب است؟

در طراحی برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی دو رویکرد اصلی شناسایی شدند که عبارت‌اند از: ۱. درس مستقل کارآفرینی متشکل از واحدهای مربوط به دانش، مبانی و مهارت‌های کارآفرینی به صورت تلفیقی در مسائل و زمینه‌های مربوط به هر رشته تحصیلی؛ ۲. تلفیق کارآفرینی با دروس دیگر.

در جدول ۳ میانگین، انحراف معیار و نتایج مقایسه میانگین نمونه‌های مورد مطالعه با میانگین نظری در خصوص هر یک از رویکردهای مذکور نشان داده شده است.

جدول ۳- آزمون t مستقل مربوط به شیوه سازماندهی محتوای برنامه درسی مقطع کارشناسی با تأکید بر پرورش مهارتهای کارآفرینی

گویه	میانگین	انحراف معیار	T	تفاوت از میانگین	فاصله اطمینان (۰/۹۹) حد پایین حد بالا
درس مستقل کارآفرینی	۳.۷۲	۱.۱۱۹	۲.۶۳۴	۰.۲۲	۰.۴۳
تلفیق کارآفرینی با دروس دیگر	۴.۵۶	۰.۷۶۱	۱۹.۳۳۱	۱.۰۶	۱.۲۰
		df=۱۹۳	n=۱۹۴		
		۳.۵= میانگین نظری		۰.۰۱= سطح معنی داری	

جدول ۳ بیانگر میزان توافق متخصصان برنامه ریزی درسی و کارآفرینی با دو رویکردی است که به منظور سازماندهی محتوای برنامه های درسی مقطع کارشناسی به منظور ایجاد قابلیت های کارآفرینی معرفی شده است. با توجه به داده های به دست آمده می توان رویکرد تلفیق کارآفرینی با دروس دیگر را با میانگین ۴.۵۶ و انحراف معیار ۰.۷۶۱ به عنوان رویکرد محوری و درس مستقل کارآفرینی را با میانگین ۳.۷۲ و انحراف معیار ۱.۱۱۹ به عنوان رویکرد مکمل معرفی کرد.

آماره t محاسبه شده نیز برای هر یک از رویکردهای مورد بررسی نشان می دهد که این مقدار با درجه آزادی ۱۹۳ و آلفای ۰.۰۱، بزرگ تر از مقدار t بحرانی (۲.۳۲) است. لذا با ۹۹٪ اطمینان بین میانگین مشاهده شده و میانگین نظری تفاوت معناداری وجود ندارد. بر اساس نتایج به دست آمده برای سازماندهی محتوای برنامه های درسی مقطع کارشناسی رویکرد تلفیق کارآفرینی با دروس دیگر و درس مستقل کارآفرینی به ترتیب به عنوان رویکرد محوری و رویکرد مکمل می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

۳. چه رویکردهایی برای تلفیق دروس مقطع کارشناسی با تأکید بر پرورش مهارتهای کارآفرینی مناسب اند؟

در سازماندهی محتوای برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی دو رویکرد اصلی به منظور تلفیق دروس مقطع کارشناسی شناسایی شدند که عبارتند از: رویکرد میان رشته ای و رویکرد فرارشته ای. در جدول ۴ میانگین، انحراف معیار و نتایج مقایسه میانگین نمونه های مورد مطالعه با میانگین نظری در خصوص هر یک از رویکردهای مذکور نشان داده شده است.

جدول ۴- آزمون t مستقل مربوط به شیوه تلفیق محتوای برنامه درسی مقطع کارشناسی با تأکید بر پرورش مهارتهای کارآفرینی

گویه	میانگین	انحراف معیار	t	تفاوت از میانگین	فاصله اطمینان (۰/۹۹) حد پایین حد بالا
رویکرد میان رشته ای	۴.۲۲	۰.۸۹۹	۱۱.۰۵۷	۰.۷۲	۰.۸۹
رویکرد فرارشته ای	۴.۱۳	۰.۹۳۴	۹.۲۴۱	۰.۶۳	۰.۴۵
		df=۱۹۳	n=۱۹۴		
		۳.۵= میانگین نظری		۰.۰۱= سطح معنی داری	

جدول ۴ بیانگر میزان توافق متخصصان برنامه‌ریزی درسی و کارآفرینی با دو رویکردی است که به منظور تلفیق محتوای دروس مقطع کارشناسی برای ایجاد قابلیت‌های کارآفرینی شناسایی شده است. با توجه به داده‌های به دست آمده می‌توان رویکرد میان‌رشته‌ای را با میانگین ۴.۲۲ و انحراف معیار ۰.۸۹۹ به عنوان رویکرد محوری و رویکرد فرارشته‌ای را با میانگین ۴.۱۳ و انحراف معیار ۰.۹۳۴ به عنوان رویکرد مکمل معرفی کرد. آماره t محاسبه شده برای هر یک از رویکردهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که این مقدار با درجه آزادی ۱۹۳ و آلفای ۰.۰۱، بزرگ‌تر از مقدار t بحرانی (۲.۳۲) است. لذا، با ۹۹٪ اطمینان می‌توان گفت که بین میانگین مشاهده شده و میانگین نظری تفاوت معناداری وجود ندارد. بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان گفت که برای تلفیق محتوای برنامه درسی مقطع کارشناسی با تأکید بر پرورش مهارت‌های کارآفرینی از رویکرد میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای به ترتیب به عنوان رویکرد محوری و مکمل می‌توان استفاده کرد.

۴. چه قابلیت‌هایی برای پرورش مهارت‌های کارآفرینی باید در کانون توجه فعالیت‌های یاددهی - یادگیری قرار گیرند؟

در پاسخ به این سؤال هفت متغیر از بین مؤلفه‌های اولیه استخراج شدند که عبارت‌اند از: خلاقیت و حل مسئله، مسئولیت‌پذیری و روحیه تلاش و پشتکار، آینده پژوهی، پذیرش تغییر، مدیریت و رهبری و استفاده خلاقانه از فناوری اطلاعات و ارتباطات. در جدول ۴ میانگین، انحراف معیار و نتایج مقایسه میانگین نمونه‌های مورد مطالعه با میانگین نظری در خصوص هر یک از متغیرهای مذکور نشان داده شده است.

جدول ۵- نتایج آزمون t مستقل مربوط به قابلیت‌هایی که برای پرورش مهارت‌های کارآفرینی باید در کانون توجه فعالیت‌های یاددهی - یادگیری قرار گیرد.

گروه	میانگین	انحراف معیار	t	تفاوت از میانگین	فاصله اطمینان	
					(۰/۹۹)	حد پایین حد بالا
خلاقیت و حل مسئله	۴.۷۵	۰.۵۰۲	۳۴.۱۶۳	۱.۲۵	۱.۳۴	۱.۱۵
مسئولیت‌پذیری و روحیه تلاش و پشتکار	۴.۶۴	۰.۶۶۵	۲۳.۶۶۲	۱.۱۴	۱.۲۷	۱.۰۲
آینده پژوهی	۴.۳۳	۰.۷۲۲	۱۵.۷۵۲	۰.۸۳	۰.۹۷	۰.۶۹
پذیرش تغییر	۴.۴۶	۰.۶۴۸	۲۰.۵۰۳	۰.۹۶	۱.۰۹	۰.۸۴
مدیریت و رهبری	۴.۴۳	۰.۷۳۸	۱۷.۱۸۶	۰.۹۳	۱.۰۷	۰.۷۹
کسب توانایی‌های ارتباطی	۴.۴۱	۰.۷۶۶	۱۶.۳۸۳	۰.۹۱	۱.۰۶	۰.۷۷
استفاده خلاقانه از فناوری اطلاعات ICT	۴.۳۷	۰.۷۶۰	۱۵.۷۴۴	۰.۸۷	۱.۰۲	۰.۷۳
			$n = 193$			$df = 192$
			$= 3.5$ میانگین نظری			$= 0.01$ سطح معنی داری

جدول ۵ بیانگر میزان توافق متخصصان برنامه‌ریزی درسی و کارآفرینی با قابلیت‌هایی است که به منظور پرورش مهارت‌های کارآفرینی باید در کانون توجه فعالیت‌های یاددهی - یادگیری قرار گیرند. داده‌های به دست آمده از نمونه مورد مطالعه حاکی از آن است که خلاقیت به عنوان جوهره کارآفرینی (با میانگین ۴.۷۵) و انحراف معیار ۰.۵۰۲ مهم‌ترین مؤلفه‌ای است که برای پرورش مهارت‌های کارآفرینی باید در فرایندهای یاددهی - یادگیری لحاظ شود. روحیه تلاش و پشتکار (با میانگین ۴.۶۴)، پذیرش تغییر (با میانگین ۴.۴۶)، مدیریت و رهبری (با میانگین ۴.۴۳)،

کسب تواناییهای ارتباطی (با میانگین ۴.۴۱)، استفاده خلاقانه از فناوری اطلاعات و ارتباطات (با میانگین ۴.۳۷) و آینده پژوهی (با میانگین ۴.۳۳) به ترتیب از نظر متخصصان در درجه‌های بعدی اهمیت قرار می‌گیرند. آماره t محاسبه شده برای هر یک از قابلیت‌های مورد بررسی نشان می‌دهد که این مقادیر با درجه آزادی ۱۹۳ و آلفای ۰.۰۱، بزرگ‌تر از مقدار t بحرانی (۲.۳۲) است. لذا، با ۹۹٪ اطمینان می‌توان گفت که بین میانگین مشاهده شده و میانگین نظری تفاوت معناداری وجود ندارد. بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان بیان کرد که برای پرورش مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان لازم است قابلیت‌های مورد اشاره هنگام طراحی فعالیت‌های یاددهی - یادگیری در کانون توجه قرار گیرد.

۵. چه رویکردهای آموزشی برای تنظیم فعالیت‌های یاددهی-یادگیری در درس مقطع کارشناسی با تأکید بر پرورش مهارت‌های کارآفرینی مناسب‌اند؟

در پاسخ به این سؤال با توجه به مبانی نظری موجود و نتایج تحقیقات انجام شده، هفت مؤلفه شناسایی شدند که عبارت‌اند از: ارائه اطلاعات از راه‌های مختلف و متنوع، کار گروهی و مشارکت در یادگیری، تجربه در محیط‌های یادگیری واقعی یا شبیه‌سازی شده، اقدام پژوهی (پژوهش در عمل)، تلفیق اصول دانش علمی و حرفه‌ای و ارتباط دایمی و برنامه‌ریزی شده کارآفرینان مجرب با دانشجویان. در جدول ۶ میانگین، انحراف معیار و نتایج مقایسه میانگین نمونه‌های مورد مطالعه با میانگین نظری در خصوص هر یک از متغیرهای مذکور نشان داده شده است.

جدول ۶- میانگین و انحراف معیار و نتایج آزمون t مربوط به روش و تنظیم فعالیت‌های یاددهی-یادگیری در درس مقطع کارشناسی برای ایجاد قابلیت‌های کارآفرینی

گویه	میانگین	انحراف معیار	t	تفاوت از میانگین	فاصله اطمینان (۰/۹۹)
				حد پایین	حد بالا
ارائه اطلاعات از راه‌های مختلف و متنوع	۴.۰۳	۰.۷۱۶	۱۰.۲۸۷	۰.۷۲	۰.۶۷
کار گروهی و مشارکت در یادگیری	۴.۵۲	۰.۶۱۳	۲۳.۰۸۴	۱.۰۲	۱.۱۳
تجربه در محیط‌های یادگیری واقعی	۴.۶۰	۰.۶۳۹	۲۳.۹۵۴	۱.۱۰	۱.۲۲
تحقیق محوری تحت شرایط مبهم و خطرپذیر	۴.۳۶	۰.۶۶۵	۱۷.۷۷۴	۰.۸۶	۰.۹۸
اقدام پژوهی (پژوهش در عمل)	۴.۳۴	۰.۶۶۳	۱۷.۳۷۹	۰.۸۴	۰.۹۷
تلفیق اصول دانش علمی و حرفه‌ای	۴.۳۴	۰.۶۶۰	۱۷.۷۰۲	۰.۸۴	۰.۹۷
ارتباط دایمی و برنامه‌ریزی شده دانشجویان با کارآفرینان	۴.۳۶	۰.۷۳۶	۱۵.۶۶۸	۰.۸۴	۰.۹۸
			$n = 194$		$df = 193$
			$t = 3.5$ میانگین نظری		$\alpha = 0.01$ سطح معنی داری

جدول ۶ حاوی نمرات پاسخ دهندگان در خصوص هر یک از روش‌هایی است که برای تنظیم فعالیت‌های یاددهی - یادگیری در برنامه‌های درسی مقطع کارشناسی به منظور پرورش مهارت‌های کارآفرینی می‌تواند مورد استفاده قرارگیرد. داده‌های به دست آمده از نمونه مورد مطالعه حاکی از آن است که تجربه در محیط‌های یادگیری واقعی یا شبیه‌سازی شده (با میانگین ۴.۶۰) و انحراف معیار ۰.۶۳۹ در درجه اول اهمیت و کار گروهی و مشارکت

در یادگیری (با میانگین ۴.۵۲)، ارتباط دایمی و برنامه‌ریزی شده دانشجویان با کارآفرینان مجرب (با میانگین ۴.۳۶)، تلفیق اصول دانش علمی و حرفه‌ای و اقدام پژوهی (با میانگین ۴.۳۴) و ارائه اطلاعات از راههای مختلف و متنوع (با میانگین ۴.۰۳) در درجات بعدی اهمیت از نظر نمونه مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

همان طور که مشاهده می‌شود، آماره t محاسبه شده برای هر یک از روشهای مورد بررسی نشان می‌دهد که این مقدار با درجه آزادی ۱۹۳ و آلفای ۰.۰۱، بزرگ‌تر از مقدار t بحرانی (۲.۳۲) است. لذا، با ۹۹٪ اطمینان می‌توان گفت که بین میانگین مشاهده شده و میانگین نظری تفاوت معناداری وجود ندارد. بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان گفت که هنگام تنظیم فعالیتهای یاددهی - یادگیری برای پرورش مهارتهای کارآفرینی دانشجویان لازم است رویکردهای آموزشی مورد توجه قرار گیرند.

۶. چه شیوه‌هایی برای ارزیابی آموخته‌ها و عملکرد دانشجویان مقطع کارشناسی با هدف پرورش مهارتهای کارآفرینی مناسب‌اند؟

در پاسخ به این سؤال با توجه به مبانی نظری موجود و نتایج تحقیقات انجام شده، شش مؤلفه شناسایی شدند که عبارت‌اند از: بررسی کمی و کیفی عملکرد دانشجو در به کار بستن دانش خود در موقعیتهای واقعی، خودارزیابی دانشجو، ارزیابی تحلیل شکست، ارزیابی تصمیمات اتخاذ شده، ارزیابی تفکر خلاق، تأکید بر بازخورد به منظور اتصالات دقیق ذهنی و ارزشیابی مستمر. در جدول ۷ میانگین، انحراف معیار و نتایج مقایسه میانگین نمونه‌های مورد مطالعه با میانگین نظری در خصوص هر یک از متغیرهای مذکور نشان داده شده است.

جدول ۷- میانگین و انحراف معیار و نتایج آزمون t مربوط به شیوه ارزیابی آموخته‌ها و عملکرد دانشجویان مقطع کارشناسی برای ایجاد قابلیت‌های کارآفرینی

گویه	میانگین	انحراف معیار	t	تفاوت از میانگین	فاصله اطمینان (۰/۹۹) حد پایین	حد بالا
بررسی کمی و کیفی عملکرد دانشجو	۴.۵۰	۰.۶۹۸	۱۹.۶۵۵	۱.۰۰	۱.۱۳	۰.۸۷
خودارزیابی	۳.۹۳	۰.۹۴۱	۶.۲۹۲	۰.۴۳	۰.۶۰	۰.۲۵
ارزیابی تحلیل شکست	۴.۳۰	۰.۷۷۵	۱۴.۰۹۶	۰.۸۰	۰.۹۵	۰.۶۵
ارزیابی تفکر خلاق	۴.۳۶	۰.۷۲۹	۱۶.۲۰۵	۰.۸۶	۱	۰.۷۲
تأکید بر بازخورد	۴.۱۴	۰.۷۴۸	۱۱.۶۳۳	۰.۶۴	۰.۷۸	۰.۵۰
ارزشیابی مستمر	۴.۳۴	۰.۷۸۲	۱۴.۷۴۵	۰.۸۴	۰.۹۹	۰.۶۹
			$n = 193$			$df = 193$
			$= 3.5$ میانگین نظری			$= 0.01$ سطح معنی داری

جدول شماره ۷ حاوی نمرات پاسخ دهندگان در خصوص هر یک از روشهایی است که برای ارزیابی آموخته‌ها و عملکرد دانشجویان مقطع کارشناسی با هدف پرورش مهارتهای کارآفرینی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. داده‌های به دست آمده حاکی از آن است که بررسی کمی و کیفی عملکرد دانشجو در به کار بستن دانش خود در موقعیتهای واقعی (ارزشیابی اصیل) با میانگین ۴.۵۰ و انحراف معیار ۰.۶۹۸ در درجه اول اهمیت و ارزیابی تفکر خلاق (بامیانگین ۴.۳۶)، ارزشیابی مستمر (با میانگین ۴.۳۴)، ارزیابی تحلیل شکست (با میانگین ۴.۳۰)، تأکید بر

بازخورد به منظور اتصالات دقیق ذهنی (با میانگین ۴.۱۴) و خودارزیابی (با میانگین ۳.۹۳) در درجات بعدی اهمیت قرار دارند.

آماره t محاسبه شده نیز برای هر یک از روشهای مورد بررسی نشان می‌دهد که کلیه این مقادیر با درجه آزادی ۱۹۳ و آلفای ۰.۰۱، بزرگ‌تر از مقدار t بحرانی (۲.۳۲) است. لذا، با ۹۹٪ اطمینان می‌توان گفت که بین میانگین مشاهده شده و میانگین نظری تفاوت معناداری وجود ندارد. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که هر یک از شیوه پیشنهادی در ارزشیابی از آموخته‌ها و عملکرد دانشجویان می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

برنامه‌های درسی آموزش عالی از جمله عوامل و عناصری هستند که در تحقق بخشیدن به اهداف آموزش عالی نقش بسزایی دارند. از این رو، برنامه‌های درسی که قلب مراکز دانشگاهی به شمار می‌آیند، آینه نقشها و اهداف آموزش عالی و شایسته توجه دقیق هستند (Noruzzadeh, 2006, Citation from Altbach, 1998). نگارا (Ngara, 1995) معتقد است که «برنامه درسی باید دانشجویان را برای کسب محتوای قابل اطمینان و مهارت‌های تحلیلی توانا سازد. برنامه درسی باید به دانشجویان در پرورش تفکر اقتصادی و کاوشگری و توانایی عملی منطقی یاری کند. برنامه درسی باید موجب رشد فیزیکی و عقلایی شود و به دانشجویان کمک کند تا به نقش تفکر انسانی در توسعه اجتماعی ارج بگذارند. برنامه درسی باید مهارتهایی نظیر مهارت‌های ارتباطی، مدیریتی، مسئله‌گشایی و عملی منطقی را پرورش دهد تا افراد بتوانند ایفاگر نقش‌های خود در سطح اجتماع باشند. برنامه درسی باید به یادگیرندگان کمک کند تا جهان اطراف خود را از نظر طبیعی و انسانی درک کنند و به توسعه آن بپردازند و همچنین، ضمن بالندگی هویت خود، مسئولیت اجتماعی خویش را نشان دهند و میهن‌دوست باشند». امروزه، دوره‌های آموزش کارآفرینی جای خود را در دروس دانشگاهی در رشته‌های مختلف باز کرده‌اند. لیتون به نقل از اکرامی (۱۳۸۴)، آرمند و سلطانی (۱۳۸۴)، جهانگیری (2003, Jahangiri)، میشل هیت به نقل از اکرامی و فردوسی (۱۳۸۴)، هبرت و لینک به نقل از شهرکی‌پور و بنی‌سی (Shahrakipor and Banisi, 2005)، انصاری و غفارزاده (۱۳۸۴) و ... ترکیب مشابهی از تواناییها و ویژگیهای کارآفرینان ارائه داده‌اند که وجه مشترک آنها عبارت است از: خلاقیت و حل مسئله، روحیه تلاش و پشتکار، مدیریت و رهبری، تواناییهای ارتباطی، تغییرپذیری، فرصت‌شناسی و آینده‌پژوهی. بل (Bell, 2008) معتقد است که مهارتهایی از قبیل برنامه‌ریزی، حل مسئله، خلاقیت، تفکر انتقادی، خودارزشیابی، رهبری، مذاکره، شبکه اجتماعی، کار گروهی و مدیریت زمان باعث افزایش تواناییهای کارآفرینانه می‌شود. انجمن کارفرمایان در بریتانیا و استرالیا جهت‌گیری برنامه‌های درسی آموزش عالی را در چند مقوله عمده بیان کرده‌اند (Bell, 2008): پرورش روحیه اتکا به خود، پرورش نقد و تحلیل، پرورش توانایی رهبری، پرورش توانایی ایجاد تحول، پرورش توانایی نوآوری و خلاقیت، پرورش افراد هماهنگ با توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، پرورش توانایی حل مسئله، پرورش توانایی کار گروهی و پرورش روحیه سازگاری با تغییرات (Momeni Mahmoea, 2008). در همین خصوص، نتایج تحقیق حاضر نشان داد که پنج هدف ایجاد شایستگیهای لازم در ابعاد دانش، نگرش و مهارتهای مورد نیاز یک حیطة تخصصی در دانشجو، پرورش مهارت‌های ذهنی (توانایی خلاقیت، حل مسئله، مدیریت و رهبری، تغییرپذیری، تواناییهای ارتباطی و آینده‌پژوهی)، ایجاد روحیه کارآفرینی، آشنایی دانشجویان با دانش کارآفرینی و تقویت ارتباط بین برنامه‌های

درسی و زندگی اجتماعی و اقتصادی باید به عنوان اهداف برنامه درسی مقطع کارشناسی با تأکید بر پرورش مهارت‌های کارآفرینی مورد توجه قرار گیرد؛ در طراحی برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی رویکرد تلفیق کارآفرینی با درس دیگر و درس مستقل کارآفرینی به ترتیب به عنوان رویکرد محوری و رویکرد مکمل مورد استفاده قرار گیرد؛ در سازماندهی محتوای برنامه درسی مقطع کارشناسی با تأکید بر پرورش مهارت کارآفرینی از رویکرد میان رشته‌ای و فرارشته‌ای به ترتیب به عنوان رویکرد محوری و مکمل استفاده شود. خلاقیت و حل مسئله، مسئولیت‌پذیری و روحیه تلاش و پشتکار، آینده پژوهی، پذیرش تغییر، مدیریت و رهبری، کسب توانایی‌های ارتباطی و استفاده خلاقانه از فناوری اطلاعات مهم‌ترین مؤلفه‌هایی هستند که برای پرورش مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان باید در کانون توجه فعالیت‌های یاددهی - یادگیری برنامه درسی مقطع کارشناسی قرار گیرند. تجربه در محیط‌های یادگیری واقعی یا شبیه‌سازی شده، کارگروهی و مشارکت در یادگیری، ارتباط دایمی و برنامه‌ریزی شده دانشجویان با کارآفرینان مجرب، تلفیق اصول دانش علمی و حرفه‌ای، اقدام پژوهی، ارائه اطلاعات از راه‌های مختلف و متنوع به ترتیب اولویت به عنوان روش‌های پیشنهادی برای تنظیم فعالیت‌های یاددهی - یادگیری در برنامه‌های درسی مقطع کارشناسیبه منظور پرورش مهارت‌های کارآفرینی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. ارزشیابی اصیل یا به عبارتی، بررسی کمی و کیفی عملکرد دانشجو در به کار بستن دانش خود در موقعیت‌های واقعی، ارائه بازخورد به منظور اتصالات دقیق ذهنی، ارزشیابی مستمر، ارزیابی تحلیل شکست، ارزیابی تفکر خلاق و ارزیابی تصمیمات اتخاذ شده به ترتیب اولویت به عنوان شیوه‌های ارزشیابی آموخته‌ها و عملکرد دانشجویان مقطع کارشناسی با هدف پرورش قابلیت‌های کارآفرینی مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

نتایج این تحقیق با نتایج تحقیقات براون (Brown, 1999)، بلگی (Begley, 2000)، کالیو و سونی (Kallio and Suni, 2007)، تان و فرانک (Tan and Frank, 2006)، پارکر و نری، اوکدان و آزراسا (Okudan and Rzasa, 2006)، کوتی (Kotey, 2007) لمبرت و همکاران (Lambert et al., 2007)، لینگ نئو لینداوی (۲۰۰۴) کلاو و همکاران (Clow et al., 1991)، احمدزاده (Ahmadzadeh, 2006)، عزیز (Azizy, 2003)، هزارجریبی (Hezarjaribi, 2003)، آراسته (Arasteh, 2003)، احمدپور داریانی (Ahmadpor Dariani, 2003) و بدری و همکاران (Badri et al., 2006) همخوانی دارد. در این تحقیقات فرضیات آموزش کارآفرینی روی مسئله محوری، قابلیت‌های کارآفرینی، اصول یادگیری فعال و تجربی، تلفیق برنامه‌های آموزشی و زندگی شغلی و در نهایت، سازماندهی چند رشته‌ای محتوا و اشتغال مختلف ارزشیابی بنا شده است.

پیشنهادها

۱. با توجه به یافته‌های این تحقیق ضرورت دارد برنامه‌های درسی مقطع کارشناسی با هدف پرورش مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان مورد بازنگری قرار گیرد.
۲. هنگام تهیه و تدوین یا بازنگری برنامه‌های درسی مقطع کارشناسی، نیازسنجی به‌عنوان اولین گام برای بسترآفرینی شناسایی نیازهایی که شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب برنامه درسی مبتنی بر پرورش مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان را نشان می‌دهد، مورد توجه قرار گیرد.

۳. بر اساس نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود هنگام طراحی برنامه‌های درسی مقطع کارشناسی با هدف پرورش مهارت‌های کارآفرینی، رویکرد تلفیق کارآفرینی با دروس دیگر به عنوان یک رویکرد محوری و ارائه درس مستقل کارآفرینی به عنوان یک رویکرد مکمل در نظر گرفته شود.
۴. با توجه به اهمیت و جایگاه سازماندهی محتوای برنامه درسی مقطع کارشناسی با تأکید بر پرورش مهارت‌های کارآفرینی، رویکرد میان رشته‌ای و فرارشته‌ای به ترتیب به عنوان رویکرد محوری و مکمل به کار گرفته شود.
۵. برنامه‌های درسی مقطع کارشناسی با هدف پرورش مهارت کارآفرینی دانشجویان باید موجب ارتقا و توسعه دانش، نگرش و مهارت‌های مورد نیاز یک حیطه تخصصی در دانشجویان شود و همچنین، زمینه پرورش مهارت‌های ذهنی، روحیه کارآفرینی، افزایش دانش کارآفرینی و تربیت دانش‌آموختگان کارآفرین را فراهم سازد.
۶. برنامه‌های درسی مقطع کارشناسی با هدف پرورش مهارت‌های کارآفرینی باید مسئله محور باشند تا زمینه پرورش ویژگیها و قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان فراهم شود.
۷. برنامه‌های درسی مقطع کارشناسی مبتنی بر پرورش مهارت کارآفرینی لازم است در محیط‌های یادگیری واقعی که زمینه‌ساز تجربه برای دانشجویان می‌شود، اجرا شود.
۸. ارزیابی برنامه‌های درسی مبتنی بر کارآفرینی باید براساس ارزشیابی اصیل؛ یعنی ارزیابی از انتقال دانش و مهارت در بازار کسب و کار باشد و زمینه بهبود و اصلاح مداوم و مستمر برنامه‌های درسی را فراهم سازد.
۹. برگزاری سمینارها، کارگاهها و دوره‌های ویژه در زمینه کارآفرینی برای ارتقای سطح آگاهی، دانش و بینش دانشجویان ضروری است.

قدردانی

این مقاله برگرفته از پژوهشی با عنوان طراحی الگوی برنامه درسی مقطع کارشناسی با تأکید بر پرورش مهارت‌های کارآفرینی است که توسط مؤلفان و با حمایت سازمان ملی جوانان انجام شده است که بدین وسیله قدردانی و تشکر می‌شود.

References

1. Ahmadpor Dariani, Mahmood (2003); "Does the Entrepreneurship Change the University Strategies?"; *Rahyaf*, No. 29, pp. 5-13(in Persian).
2. Ahmadzadeh, Nasrin (2006); Studying the Attention Criterion of the Undergraduate Curriculum of Educational Science Course in Nurturing Entrepreneurship Skills from the View of Graduates of Psychology and Educational Science of Shahid Beheshti University; Thesis of Postgraduate, Shahid Beheshti University (in Persian).
3. Akrami, Mahmood and Nahid Ferdousi (2006); *Investigating Feasibility and the Validity of Evaluation Scale through Administrators of Ministry of Energy*; Published in Congress Entrepreneurship, Rodehen Islamic Azad University, pp. 9-71 (in Persian).

4. Arasteh, Hamid Reza (2003); "Entrepreneurship and Higher Education: Principles and Obstacles"; *Rahyaf*, No. 29, pp. 5-13(in Persian).
5. Arefy, Mahbobeh (2004); Studying of Educational Science Curriculum of Iran Higher Education and Solutions to Improve it (Case Study: Branch of Educational Administration); Doctoral Dissertation, Tarbiat Modares University, Faculty of Humanities (in Persian).
6. Armand, Peyman and Shohreh Soltani (2006); *Developing Entrepreneurship in Rural Women (Challenges and Opportunities)*; Published in Congress of National Entrepreneurship, Rodehen, Islamic Azad University; pp. 1-12 (in Persian).
7. Arsani, Mohammad Taghi and Iraj Ghafarzadeh (2006); *Applied Researches as a Proper Foundation for Entrepreneurship (Present a Model) Published in Congress of National Entrepreneurship*; Rodehen Islamic Azad University, pp. 191-11 (in Persian).
8. Azizy, Mohammad (2003); Studying Fields of Creating and Nurturing of Entrepreneurship in Shahid Beheshti University Students; Thesis of Postgraduate, Shahid Beheshti University(in Persian).
9. Azkia, Mustafa and Alireza Darban Astaneh (2003); *Applied Methods of Research*; Tehran: Keihan(in Persian).
10. Badri, Ehsan, Mohammad Javad Liaghatdar, Mohammad Reza Abedi and Abraham Jafari (2006); "Reviewing of Capabilities of Entrepreneurship of Isfahan Universities Students"; *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, No. 40, pp. 73-90(in Persian).
11. Begley, Kathleen Anne, Ed.D. (2000); "Learning Style Among a Select Group of Entrepreneurs: Implications for Entrepreneurship Program at Institution of Higher Education in the United States"; Available at: www.Roznet.net
12. Bell, Joseph R. (2008); "Utilization of Problem- Based Learning in an Entrepreneurship Business Planning Course"; *Journal of Entrepreneurship*, P. 53-61.
13. Brown, Bettina lanyard (1999); "Entrepreneurship Success Stories: Implications for Teaching and Learning"; Available at: <http://www.eric.ed.gov>.
14. Brush, C. G. (2003); Doctoral Education in the Field of Entrepreneurship; *Journal of Management*, Vol. 29, No. 3, pp. 309-331.
15. Bygrave, W. D. (1989); "The Entrepreneurship Paradigm (I): A Philosophical Look at its Research Methodologies"; *Entrepreneurship Theory & Practice*, Fall, pp. 7-26.

16. Davidsson, P. and J. Wiklund (2001); "Levels of Analysis in Entrepreneurship Research: Current Research Practice and Suggestions for the Future"; *Entrepreneurship Theory and Practice*, Vol. 26, No. 4, pp. 81-99.
17. Fathi Vajargah, Kourosh (2001); *Curriculum Development Principles*; Tehran: Iran Zamin(in Persian).
18. Fathi Vajargah, Kourosh and Nahid Shafiea (2007); "Evaluation of Quality of University Curriculum (Adult Education)"; *Quarterly Journal of Curriculum Studies* (QJCS), Vol. 2, No. 5, pp. 1-27.
19. Foyuzat, John (2004); *Role of University in National Development and other Three Articles*; Tehran: Arasbaran(in Persian).
20. Hezarjaribi, Jafar (2003); Studying Measurement of Humanities Graduate Entrepreneurship in Area of Cultural and Social Publications in Tehran; Doctoral Dissertation, Isfhan: Isfhan University(in Persian).
21. Imani, Mohammad Naghi (2005); Studying the Role of Universities in Preparing Entrepreneurship Educated Ones in Order to Present Appropriate Theoretic Model for Compiling Entrepreneurship Programs in Universities; Doctoral Dissertation, Tehran: Islamic Azad University, Science and Research Branch, Faculty of Humanities(in Persian).
22. Ireland, R. D., C. R. Reutzed, J. W. Webb and C. S. Texas (2005); "Entrepreneurship Research in AMJ: What has been Published, and What Might the Future Hold"; *Academy of Management Journal*, Vol. 48, No. 4, pp. 558-564.
23. Jafarzadeh, Morteza (2005); Designing and Explaining a Model for Predicting Entrepreneurship of Graduates; Doctoral Dissertation, Tehran: Tarbiat Modares University (in Persian).
24. Jahangiri, Ali (2003); Designing and Determining an Entrepreneurship Pattern in Governmental Organizations; Doctoral Dissertation, Tehran: Islamic Azad University, Science and Research Branch(in Persian).
25. Jahanian, Ramazan (2005); "Entrepreneurship in the Educational System"; Proceedings of Conference on Entrepreneurship, Tehran: Islamic Azad University, Roudehen Branch(in Persian).
26. Kallio, Gerlander and Markku Suni (2007); *Educating Entrepreneurial Sprit: Multidisciplinary Practice Enterprise Education in Co-operating Universities in two Countries*; University of Applied Sciences, Turku, Finland.
27. Keng, Neo and Lynda Wee (2004); "Problem-based Learning Approach in Entrepreneurship Education: Promoting Authentic Entrepreneurial Learning"; *International Journal of Technology Management* , Vol. 28, No. 7/8, pp. 685 - 701.

28. Kotey, Bernice (2007); "Teaching the Attributes of Venture Teamwork in Tertiary Entrepreneurship Program"; *Journal of Education + Training*, Vol. 49, pp. 634-655, Available at: <http://www.eric.ed.gov>
29. Lambert, Cath, Andrew Parker and Michael Neary (2007); "Entrepreneurialism and Critical Pedagogy: Reinventing the Higher Education Curriculum"; *Teaching in Higher Education*, Vol. 12, No. 4, pp. 525-537.
30. Lanenburg, F. C. and A. C. Ornstein (2004); *Educational Administration, Concepts and Practices*; Wadsworth Publishing Compaining.
31. Momeni Mahmoea, Hosein (2008); Designing Competency-based Curriculum for Course of Elementary Education, Undergraduate; Doctoral Dissertation, Tehran: Islamic Azad University, Science & Research Branch.
32. Ngara, E. (1995); *The Arican University and its Mission Institute of Southern Arican Studies*; P. 82.
33. Norozzadeh, Reza et al. (2006); "Situation of Share of Universities Participation in Approved Curriculums Revision of the High Council of Planning"; *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, Vol. 12, No. 42. pp. 71-92 (in Persian).
34. Okudan GE. and SE. Rzasa(2006); "A Project-based Approach to Entrepreneurial Leadership Education"; *Journal of TECHNOVATION*, Vol. 26.
35. Sabar, N. (1994); *Curriculum Development at School Level*; In International Encyclopedia of Education.
36. Shahrakipor, Hasan and Parinaz Banisi (2006); "Importance of Entrepreneurship in Universities"; Proceedings of Conference on Entrepreneurship, Tehran: Islamic Azad University, Roudehen Branch(in Persian).
37. Shane, S. and S. Venkataraman (2000); "The Promise of Entrepreneurship as a Field of Research"; *Academy of Management Review*, Vol. 25, No. 1, pp. 217-226.
38. Tan, Siok San and Ng, C. K. Frank (2006); "Problem-based Learning Approach to Entrepreneurship Education"; *Journal of Education + Training*, Vol. 48, No. 6, pp. 416-428.
39. Vaziri, Mojdeh (2008); The System of Curriculum Development in Iran Higher Education: Characteristics and Directions; Doctoral Dissertation, Tehran: Tarbiat Modares University (in Persian).

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.